فرهنگ قرآنى

مطالب اين بخش حاوى پاسخ به دو پرسش قرآنى است كه از ستاد نشر رسانه‏اى مركز فرهنگ و معارف قرآن اخذ شده است.

خداوند انسان كامل را چگونه معرفى مى‏كند؟

در پاسخ به معناى كمال، مراتب آن و اوصاف انسان كامل اشاره مى‏شود:

الف: معناى كمال: كمال هر چيزى را بايد در ارتباط با غايات و اهداف آن جستجو كرد. موجود كامل يعنى موجودى كه به اهداف و غايات خود رسيده باشد؛ اهدافى كه براى آن خلق شده، و در درون خود استعداد رسيدن به آن‏ها را داراست.

از آن جا كه انسان داراى استعدادها و جنبه‏هاى گوناگونى است، هر جنبه از جنبه‏هاى وجود انسان كه به فعليت برسد و استعدادهاى پنهان آن شكوفا و بارور گردد، انسان در آن جنبه و جهت به كمال رسيده است. امّا براى شناخت «انسان كامل»، ابتدا بايد ببينيم كدام يك از اين فعليت‏ها و كمالات، معيار و ضابطه سنجش كمال انسان محسوب مى‏شوند، و كمال نهايى انسان در كمال يافتن كدام بُعد از ابعاد انسان است: «بعد جسمانى و حيوانى انسان، يا بعد روحى و فراحيوانى او.»

از آيات قرآن مجيد استفاده مى‏شود كه كمال انسان، «عبوديت» و «رسيدن به قرب و رحمت الهى» است؛ 1 لذا آن چه معيار و ضابطه كمال و سعادت انسان و امتياز او از ساير موجودات محسوب مى‏شود، تقويت و رشد و شكوفايى ابعاد روحى و فرا حيوانى اوست (و ابعاد جسمانى و حيوانى در انسان، حكم «ابزار» را دارد). 2

البته انسان، با داشتن استعدادهاى گوناگون، آن وقت كامل است كه همه استعدادها و ارزش‏هاى انسانى (اعم از نظرى، عملى، عبادى و غير عبادى) را به طور هماهنگ و در يك وضع متعادل و متوازن رشد دهد، نه اين كه فقط به سوى يك ارزش و استعداد گرايش پيدا كند؛ مثلاً فقط به نماز و روزه بپردازد، و از «خدمت به خلق» غافل شود، و يا به عكس، به تقويت بعد نظرى و اعتقادى خود بپردازد، و در عمل ضعيف باشد و... .3

ب) مراتب كمال: كمال داراى مراتب و درجاتى است. كمال در انسان از مراحل پايين آغاز، و تدريجاً به مراحل برتر و مقام قرب الهى منتهى مى‏گردد، تا جايى كه مورد خطاب: «يأيَّتُها النَّفسُ المُطمَئِنَّة إرجِعى إلى‏ رَبِّكِ راضِيَة مَرضيّة فَادْخُلى فى عِبدِى وَ ادْخُلى جَنَّتى»4 واقع شود، و در نهايت، به سر منزل حق و حقيقت كه همان كمال مطلق، علم مطلق، هستى مطلق، قدرت مطلق، زيبايى مطلق و جمال و كمال مطلق، يعنى: «فى مَقْعَد صِدقٍ عِندَ مَليكٍ مُّقتدِر»5 برسد.

لازم به يادآورى است كه هر چه كمال وجودى انسان، و عروج روحى او بيشتر شود، به دركى بالاتر و عميق‏تر نائل مى‏شود. لذا سير تكاملى انسان پايان ندارد، و اگر انسان بخواهد، مى‏تواند هر روز خود را كامل‏تر، و به درجه بالاترى از كمال برساند: «وَ الَّذين اهْتَدَوا زادَهُم هُدىً»؛6 «يَرْفَعِ اللّه الَّذِينَ ءامَنُوا مِنكُم وَ الَّذينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجتٍ».7

ج) نشانه‏ها و اوصاف انسان كامل: قرآن كريم از انسان‏هاى كامل با عناوين مختلفى همچون: «متقين»،8 «مؤمنان حقيقى»،9 «عبادالرحمن»، 10 «مقربون»،11 «مخلصين» 12 و... ياد كرده، و نشانه‏ها و اوصاف آنان را در آيات مختلفى بيان نموده است، از آن جمله:

1- «كسى كه به خدا، روز رستاخيز، فرشتگان، كتاب (آسمانى) و پيامبران، ايمان آورده، و مال (خود) را با همه علاقه‏اى كه به آن دارد، به خويشاوندان، يتيمان، مسكينان، واماندگان در راه، سائلان و بردگان انفاق مى‏كند، نماز را بر پا مى‏دارد و زكات مى‏پردازد، و (همچنين) كسانى كه به عهد خود - به هنگامى كه عهد بستند - وفا مى‏كنند، و در برابر محروميت‏ها و بيمارى‏ها و در ميدان جنگ، استقامت به خرج مى‏دهند...»13

2 - «كسانى كه با آرامش و بى‏تكبر بر زمين راه مى‏روند، و هنگامى كه جاهلان آن‏ها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گويند)، به آن‏ها سلام مى‏گويند (و با بى‏اعتنايى و بزرگوارى مى‏گذرند)؛ كسانى كه شبانگاه براى پروردگارشان سجده و قيام مى‏كنند؛ ... و كسانى كه هر گاه انفاق كنند، نه اسراف مى‏نمايند و نه سختگيرى، بلكه در ميان اين دو، حد اعتدالى دارند... . و كسانى كه شهادت به باطل نمى‏دهند (و در مجالس باطل شركت نمى‏كنند)، و هنگامى كه با لغو و بيهودگى برخورد كنند، بزرگوارانه از آن مى‏گذرند؛ و كسانى كه هرگاه آيات پروردگارشان به آنان گوشزد شود، كر و كور روى آن نمى‏افتند و... .»14

پيامبران و امامان (عليهم‏السلام) نمونه‏هايى از انسان كاملند، كه به طور كامل متصف به اوصاف مذكور مى‏باشند، و بهترين الگو براى انسان‏هاى طالب كمالند، بنابراين، براى اين كه متوجه شويم درجه كمال‏مان چه قدر است، خود را بايد با آنان بسنجيم، ببينيم چه مقدار عقايد، اخلاق، رفتار و گفتارمان به آنان نزديك است، هر مقدار در اوصاف و عمل به آنان نزديك‏تر باشيم، به همان مقدار كامل خواهيم بود.

مؤمن، به كسى مى‏گويند كه به خدا ايمان آورده است، پس چرا قرآن مى‏گويد: «يايّها الّذين ءامَنوا ءامِنوا باللّه و رَسُولِه...»،15 آيا طلب ايمان از سوى مؤمنان، تحصيل حاصل نيست؟

«يايّها الَّذين ءامَنوا ءامِنوا باللّه و رسولِه و الكتب الّذى أَنزل مِن قبلُ وَ مَن يَكفر باللّه وَ ملئِكتِه و كُتُبِه و رُسُله و اليوم الأخر فقد ضلّ ضَللاً بَعيداً»؛16 اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد، به خدا و پيامبر او و كتابى كه بر پيامبرش فرو فرستاد، و كتاب‏هايى كه قبلاً نازل كرده، بگرويد؛ و هر كس به خدا و فرشتگان او و كتاب‏ها و پيامبرانش و روز بازپسين كفر ورزد، در حقيقت، دچار گمراهى دور و درازى شده است.

علامه طباطبايى (ره) مى‏گويد: در اين آيه، روى سخن، به تمام مؤمنان است. مؤمنانى كه اجمالاً، به خدا و پيامبر، ايمان آورده‏اند، امّا با جزئيات و تفاصيل معتقدات اسلامى آشنا نشده‏اند. اين جاست كه خداوند، فرمان مى‏دهد كه مؤمنان واقعى، بايد به تمام انبيا و كتب پيشين و فرشتگان الهى و... ايمان داشته باشند.

بنابراين، مراد از ايمان نخست، ايمان به طور اجمال و سربسته است و مراد از ايمان دوم، ايمان به تفاصيلى است كه در آيه بيان شده است. حاصل مضمون آيه اين است كه مؤمنان، بايد ايمان سربسته و اجمالى خود را بر تك تك اين جزئيات بگسترانند؛ زيرا اين جزئيات، معارفى هستند كه به هم وابسته‏اند و هر يك، مستلزم بقيه است. 17

به ديگر سخن، ايمان، داراى درجاتى است و مؤمن، در هر مرتبه‏اى كه باشد، بايد تلاش كند تا خود را به مرتبه بالاترى از ايمان برساند. در آيه «وَ الّذين اهْتَدَوا زادَهم هدىً»18 و «لِيَزدادُوا إيمناً»19 به اين مطلب دلالت دارند. 20

پى‏نوشت‏ها:

1. ر. ك: ذاريات/ 56، هود/ 119، نجم/ 42.

2. ر.ك: حجرات/ 13، آل عمران/ 14 و 15، تين/ 6-4، عصر/ 3-2 و... .

3. ر.ك: استاد شهيد مرتضى مطهرى، انسان كامل، ص 65-15؛ دفتر همكارى حوزه و دانشگاه، انسان از ديدگاه اسلام، ص 168 - 139.

4. فجر/ 30-27.

5. قمر/ 55.

6. محمد/ 17.

7. مجادله/ 11، ر.ك: انسان از ديدگاه اسلام؛ آيت‏الله حاج مهدى حائرى تهرانى، شخصيت انسان از نظر قرآن و عترت، ص 130.

8. ر.ك: بقره/ 5-2.

9. ر.ك: انفال/ 4-1.

10. ر.ك: فرقان/ 76-63.

11. واقعه/ 11.

12. حجر/ 40.

13. بقره/ 177.

14. فرقان/ 76-63.

15. نساء/ 136.

16. همان.

17. علامه طباطبايى، تفسير الميزان، ج 5، ص 113.

18. محمّد/ 17.

19. فتح/ 4.

20. محسن قرائتى، تفسير نور، ج 2، ص 471.